

سیاره گنج پرنج!



عموما قصه‌ها و انیمیشن‌هایی که در دوران خردسالی می‌شنویم و تماشا می‌کنیم، پر از شگفتی و عجایب گوناگون هستند.

بر خلاف آن، هنگامی که از حدود پانزده سالگی عبور می‌کنیم، کم‌کم آن چیزهایی که قبل‌تر شنیده و خوانده بودیم محو می‌شوند و انگار دنیا چیزی نیست که فکر می‌کردیم. انیمیشن سیاره گنج روایتگر نوجوانی است که با رویای قدم گذاشتن بر سیاره گنج بزرگ می‌شود، اما برخلاف آن، با گذشت دوران کودکی با سیاره رنجی که در آن زندگی می‌کند روبه‌رو می‌شود. همین موضوع باعث بروز اشتباهات عجیب از سوی او می‌شود، اما در یک روز بارانی به یک نقشه گنج دست پیدا می‌کند تا به زندگی و داستان دوران کودکی‌اش جان تازه‌ای ببخشد. اینجاست که قصه فیلم شروع می‌شود.

این انیمیشن ساخته ۲۰۰۲ است که با توجه به سال ساختش از کیفیت بالایی برخوردار است. فضایی که انیمیشن در آن روایت می‌شود، فضایی فانتزی است که در آن انسان‌ها در کنار موجودات فضایی در سراسر دنیا زندگی می‌کنند و محدودیتی مانند هوا باعث قابل سکونت نبودن سیاره‌ای نمی‌شود. آن چیزی که به نظر می‌رسد سازندگان این اثر در دورانی قصه‌شان را روایت می‌کنند که ترکیبی از گذشته و آینده را در خود جای داده است. چیزهایی مانند سفر بین کهکشان‌ها با کشتی پرنده و وجود دزدان دریایی در کمین‌گاه از مواردی است که می‌توان درباره عجیب بودن فضای انیمیشن نام برد.

یکی از مهم‌ترین محرک‌های داستان که اهمیت بالایی نیز دارد، رابطه پسر با مادرش است. رابطه‌ای که ابتدا متزلزل به نظر می‌رسد؛ مادری که می‌خواهد فرزندش را شاد و هدفمند ببیند به جای نوجوانی عبوس و بی‌هدف. همین موضوع باعث می‌شود جیم در ادامه داستان بتواند تصمیم‌های درستی بگیرد تا بتواند مادرش را سر بلند کند. دوتایی‌های مهمی در انیمیشن وجود دارند که هر کدام در پیشبرد داستان موثر هستند. نگرانی‌هایی که بین مادر و پسر جریان دارد، رابطه استاد و شاگردی بین آشپز و پسر، دشمنی بین عنکبوت و کمک‌ناخدا و رقابتی که بین ناخدا و پروفیسور جریان دارد از ظرایف فیلم‌نامه این اثر است که در اواخر انیمیشن شاهد تبدیل روابط فردی به گروهی هستیم و هر کدام در تلاش برای بقای گروه خود. یکی به دنبال گنج و نابودی و دیگری به دنبال جلوگیری از نابودی و البته رسیدن به گنج زودتر از گروه شرور که همین موضوع باعث پایانی زیبا و هیجان‌انگیز می‌شود. جیم در آخر انیمیشن به آرزویش که قدم نهادن بر سیاره گنج بود رسید و البته توانست رنجی را که در راه رسیدن به آن تحمل کرده بود کنار بگذارد و تصمیم درستی بگیرد. آیا ما می‌توانیم در این موقعیت مانند جیم عمل کنیم؟

فیلم خوب طلاست!

فیلم‌هایی که باعث برق زدن چشم‌های تان می‌شود

سعيدمولوی
زینب اکبری

باشگاه
فیلم مدرسه

معروف است وقتی می‌خواهند از چیزی تعریف کنند می‌گویند فلان چیز طلاست؛ مثلاً دوست خوب یا وقت که طلاست! نشان به همان نشانی که وقت طلاست، پس در صفحه معرفی فیلم این هفته سراغ فیلم‌هایی رفتیم که خودشان هم مثل اسم‌شان طلا هستند و ارزش دیدن دارند. از آنجا که بشر از وقتی که به یاد می‌آورد تشنه طلا و عاشق چیزهای طلایی رنگ بوده، سر و کله طلا هم در انواع و اقسام فیلم‌ها، چه از نوع کلاسیک و چه در انواع جدیدتر آن، پیدا شده است. فیلم‌هایی که داستان آدم‌هایی هستند که یاد نبال گنجی طلایی زیر خاک یا به دنبال معدنی از طلا بالای کوه‌ها می‌گردند و هزاران ماجرا را رقم می‌زنند. بعضی‌های دیگر هم هستند که به جای گشتن دنبال طلا در سفرهای خطرناک، آن را جایی بسیار نزدیک‌تر به خود پیدا می‌کنند و به اصطلاح «کیمیای عشق» می‌یابند و زرمی شوند. «پس این شما و این آخر هفته‌ای پر از فیلم‌های طلایی!»

چاپلین در راه میلیون‌شدن



جریان است نگاه می‌کنیم، انسان‌هایی را می‌بینیم که مواجهه‌شان با طلا یک دگرگونی شخصیتی در آنان ایجاد می‌کند. همین موضوع باعث می‌شود از ابتدا، ما به عنوان مخاطب از چارلی چاپلین بخواهیم به طلا نرسد، تا عوض نشود. و این در حالی رخ داده است که ما می‌خواهیم چاپلین به طلا برسد تا بتواند در جامعه‌ای که در اطراف آلاسکا شکل گرفته، سرش را بالا بگیرد و آن قدر تمسخر و طرد نشود. زیبایی اثر این است که به صورت منطقی توانسته فردی را به ما نشان بدهد که یک شبه میلیاردر می‌شود، اما از آن مرد ساده خجالتی فاصله نمی‌گیرد و اصلتش را حفظ می‌کند. تماشای این سیری که چاپلین طی می‌کند، بسیار آموزنده و تماشایی است. موسیقی و تدوین در این فیلم تجربه متفاوتی برای ما ایجاد می‌کند و می‌توان آن را به عنوان کلاس درس به علاقه‌مندان سینما توصیه کرد. جلوه‌های ویژه میدانی و استاپ‌موشن در لحظات پرتلهاب، توانسته‌اند به خوبی قصه را پیش ببرند و به هیچ عنوان اضافی یا بیپه‌وده نیستند. شاید ما امروز نتوانیم با صاحب کوه طلا شدن میزان ظرفیت مان را امتحان کنیم، اما می‌توانیم لحن صحبت کردن مان در بعد و قبل از خرید گوشی جدید را بسنجیم تا ببینیم در چه وضعیتی قرار داریم. تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید؟

اگر در این روزهای ماه میانی زمستان، دل‌تان برای هوای برفی تنگ شده است، فیلم جویندگان طلا اثر چارلی چاپلین را از دست ندهید. فیلمی بی‌نظیر که سال ۱۹۲۵ ساخته شده و با سختی فراوان تا امروز نگهداری شده تا ما بتوانیم آن را ببینیم و یاد بگیریم که فیلم خوب چیست و این که یک فیلم خوب چطور باید باشد. داستان فیلم مربوط به سال ۱۸۹۷ میلادی است. در آن سال جویندگان زیادی برای یافتن طلا به آلاسکا سفر کردند. طبق شنیده‌ها تعداد زیادی به طلا دست نیافتند، اما چند شهر در اطراف آن منطقه طلاخیز ساخته شد و رونق بسیاری گرفت. در ابتدای فیلم ما با سه شخصیت اصلی آشنا می‌شویم. جوینده خلافکار، جوینده تنبل و حواس‌پرت و جوینده ساده که هر کدام نقش مهمی در قصه ایفا می‌کنند. همان‌طور که در ذهن همه ما کلیشه‌ای از آثار چارلی چاپلین با مشخصه‌هایی مانند صامت و کمدی بودن نقش بسته است، فیلم جویندگان طلا نیز از این قاعده مستثنی نیست. وجود صحنه‌هایی از کوهستان و توفان، از شاهکارهایی به حساب می‌آیند که حقیقتاً حتی اجرای برخی از آنان در امروز با امکانات فراوان تکنولوژی آن چنان راحت و در دسترس نیست، اما در حدود صدسال پیش اثر آقای چاپلین بسیار درست و با جزئیات خوب ساخته شده است. وقتی به داستان کلی که در

طلای حقیقی!



تاکید کند. اما نکته قابل توجه نام فیلم است: طلا و مس! شاید اگر عنوان سریال را در دسرهای یک مادر بیمار می‌گذاشتند، حدس زدن داستان فیلم کار سختی نبود و البته هیچ جای فیلم خبری از خریدن، فروختن یا پیدا کردن طلا هم نیست. راز و رمز این اسم را می‌توان در سکانس پایانی فیلم پیدا کرد، جایی که پدر خانواده، با بدنی خسته و دلی خسته‌تر، خود را به کلاس درس استادش می‌رساند و این جمله را از او می‌شنود: «اونهایی که تو رفاقت وسط کار کم میارن واسه اینه که بخاطر خدا نکردن و گرنه تو این وادی هر چی بیشتر مبتلا بشی مقرب‌تر میشی. از کیمیای مهر تو ز گشت کوی من آری به یمن لطف شما خاک زر شود این کیمیا محبته، باقی همه سنگلاخ و بیراه است.»

آیا شما هم مراقب این طلای ارزشمند در زندگی تان هستید؟

بعضی از انسان‌ها به جز مال و ثروت هیچ چیز دیگری برایشان مهم نیست، اما بعضی دیگر به دنبال تلاش برای خوب زندگی کردن هستند. وقتی سوال (علم بهتر است یا ثروت؟) مطرح می‌شود، پاسخ‌دهندگانی با جواب‌های مختلف و دلایل متفاوت پیدا می‌شوند. آیا برای شما هم پیش آمده که از کسانی شنیده باشید ثروت و طلای با ارزش و حقیقی، دوستی و مهربانی است، اما بی‌تفاوت و بدون تامل از کنارش رد شده باشید؟ فیلم سینمایی طلا و مس داستان خانواده‌ای چهار نفره و جوان است که با وجود مشکلات فراوان خوشبختی و محبت نابی را در زندگی ساده‌شان تجربه می‌کنند. اما ناگهان مادر خانواده به بیماری ناتوان‌کننده‌ای مبتلا می‌شود و نمی‌تواند به امور فرزندان رسیدگی کند و کارهای خانه به دوش پدر می‌افتد که در عین حال باید به فکر تأمین هزینه‌های زندگی و اوضاع روحی خانواده هم باشد. اما از آنجا که هیچ کس نمی‌تواند جای مادر را در خانه بگیرد، مشکلات خانواده و بی‌قراری بچه‌ها با بیماری مادر شدت می‌گیرد. بهروز شعبانی و نگار جواهریان دو بازیگر نقش اصلی این فیلم هستند که به خوبی توانسته‌اند غم و شادی را در لحظات حساس فیلم به مخاطب منتقل کنند. این فیلم تلاش می‌کند جایگاه تک‌تک اعضای خانواده و اهمیت آنها برای یکدیگر را نشان دهد و بر لزوم همدلی اعضای خانواده با یکدیگر در شرایط سخت